

روزشمار جنگ

پنجشنبه

۲۱ مرداد ۱۳۶۱

۲۲ شوال ۱۴۰۲

۱۲ اوت ۱۹۸۲

۶۶۴

امروز در منطقه عملیاتی جنوب یک فروند هلی کوپتر عراق که قصد نفوذ به مواضع خودی را داشت با آتش پدافند هوایی سرنگون شد.^(۱)

عراق همچنین با توپخانه امروز نیز مناطق مسکونی آبادان را گلوله باران کرد که ۲ شهید، ۱۵ تن مجروح و شماری خانه ویران برجای گذاشت.^(۲)

۶۶۵

در پی حمله چند روز پیش هلی کوپترهای دشمن به دو کشتی باری در بندر امام خمینی، امروز عراق تهدید کرد که به کشتی‌هایی که به سواحل ایران نزدیک شوند، حمله خواهد کرد. رادیو صوت الجماهير در این باره گفت: «یک سخن‌گوی نظامی عراق طی اظهاراتی به خبرگزاری عراق چنین گفت: "در پی گزارش خبرگزاری‌ها درباره مورد اصابت قرار گرفتن یک کشتی یونانی ضمن هدف‌هایی که در اطلاعیه فرماندهی کل نیروهای مسلح به شماره ۸۰۵ مورخ ۱۹۸۲/۸/۹ ذکر کرده بودیم، به تمامی صاحبان کشتی‌هایی که در خطوط حمل و نقل دریایی به مقصد ایران تردد دارند، اخطار می‌کنیم که ما تمامی کشتی‌هایی را که در محدوده منطقه نظامی ممنوعه - که در اطلاعیه گذشته فرماندهی کل مشخص شده و قبلاً آن را تعیین و نسبت به کشتی‌رانی در محدوده آن هشدار داده بودیم - ظاهر شوند، مورد حمله قرار خواهیم داد."»^(۳)

۶۶۶

عناصر مسلح غیرقانونی و نیروهای ضدانقلاب با کار گذاشتن مین در جاده‌ها و معابر چند تن را به شهادت رساندند.

بر اثر انفجار مین در جاده روستای "گوران آباد" از توابع ارومیه،^(۴) و همچنین انفجار مین در محور سرو به ارومیه، دو تن از نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران به شهادت رسیدند و دو تن دیگر مجروح شدند.^(۵)

۶۶۷

امروز نیز جسد یک مرد ۴۷ ساله در یک ساختمان نیمه کاره در خیابان استاد مطهری کشف شد. پزشکی قانونی وجود برخی خراشیدگی‌ها و بریدگی‌ها در بدن و سه کانون خون مردگی در پشت سر را که بر اثر برخورد یک جسم سخت ایجاد شده، گزارش کرده‌است ولی مرگ مقتول را بر اثر اصابت گلوله به پشت سر دانسته و موضوع قتل را جنایت اعلام کرده‌است.^(۶)

امروز ۱۵ تن از نیروهای سازمان مجاهدین با مسدود کردن جاده "بلندرود کجور" در منطقه آب‌پری از توابع نوشهر، خودروهای مردم را بازرسی می‌کردند و با تهدید از آنان مواد غذایی می‌گرفتند.^(۷)

خسرو ریاحی نظری

۶۶۸

دولت‌های اردن و کویت امروز نیز مهمات و تجهیزات نظامی برای عراق فرستادند. تجهیزات ارسالی دولت اردن با ۳۳ دستگاه تریلر به عراق حمل شد و در پادگان "التاجی" این کشور تخلیه گردید.^(۸)

از کویت نیز تعداد ۴۲ دستگاه خودرو حامل مهمات عازم عراق شدند.^(۹) میزان تجهیزات روسی تخلیه شده در بنادر کویت برای حمل به عراق در هفته گذشته مشخص شد. براساس یک گزارش نظامی، در هفته گذشته ۲۸۰ دستگاه انواع تانک، ۵۰۰ تن مهمات ناوچه‌های جنگی و شمار فراوانی موشک ساخت شوروی از چندین کشتی در اسکله شماره ۱۴ بندر "شیوخ" کویت تخلیه و با تریلر و کامیون به عراق برده شده‌است.^(۱۰)

۶۶۹

به دنبال انفجار سفارت عراق در پاریس، سازمان عمل اسلامی عراق مسئولیت این انفجار را

* جسد متعلق به شخصی به نام "خسرو ریاحی نظری" بوده که به دست اعضای سازمان مجاهدین خلق در خیابان ربوده شده و پس از شکنجه به قتل رسیده‌است. شرح کامل حادثه قتل شهید خسرو ریاحی نظری در بازجوی‌های "مهران اصدقی" از اعضای این سازمان - که در این قتل شرکت داشته‌است - در ضمیمه آمده‌است.

به‌عهده گرفت. طرفداران این سازمان در تماس تلفنی با خبرگزاری جمهوری اسلامی در پاریس گفته‌اند که این عملیات به نام "ابوطالب العلیلی" اولین شهید عملیات نظامی در عراق، نام‌گذاری شده و انفجار سفارت عراق در فرانسه آخرین عمل آن‌ها نخواهد بود. آنان افزوده‌اند: «این هشدار است به دولت بعثی عراق که هر چه زودتر دست از کشتار در زندان‌های عراق بردارد و نیز هشدار به دولت فرانسه است که کمک‌های نظامی خود به دولت عراق را هر چه زودتر قطع کند.»^(۱۱)

خبرگزاری جمهوری اسلامی به‌نقل از خبرگزاری فرانسه دربارهٔ سازمان عمل اسلامی عراق آورده‌است: «این جنبش در سال ۱۳۴۷ در شهر مقدس کربلا در عراق به وجود آمده و از سوی حجت‌الاسلام سید "محمد طاعی مدرسی" رهبری می‌شود. فعالیت واقعی این جنبش در سال ۱۳۵۱ شروع شد و پس از دست‌گیری چند تن از اعضایش در سال ۱۳۵۲، فعالیت خود را متوقف کرد. این جنبش می‌بایست پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران در بهمن ماه ۵۷ فعالیت خود را از سر گرفته باشد. حجت‌الاسلام مدرسی که معمولاً در تهران به‌سر می‌برد، در روزنامه‌ای که ۱۵ روز قبل به وسیله این سازمان منتشر شد، خواستار وحدت تام گروه‌های اسلامی عراق در این مرحله تعیین‌کننده از انقلاب عراق به رهبری امام خمینی شد. با این وجود، "عمل اسلامی" از سوی مسئولین دیگر سازمان‌های مخالف عراق مستقر در تهران به عنوان یک گروه اقلیت تلقی می‌شود.»^(۱۲)

۶۷۰

گروهی از اسیران عراقی در اردوگاه حشمتیه، برای برآوردن خواسته‌های خود، از امروز از خوردن غذا خودداری کردند. خبرگزاری جمهوری اسلامی در این باره گزارش داد: اعتصاب‌کنندگان در اطلاعیه‌ای خواسته‌های سه‌گانه خود را اعلام کردند: «اهدای خون به مجروحان ایرانی؛ شرکت در جنگ علیه صدام؛ انجام دادن حداقل ۱۰ ساعت کار در روز به حمایت از جبهه‌های جنگ جمهوری اسلامی ایران.» آنان تأکید کردند که تا تحقق این خواسته‌ها، مصمم به ادامه اعتصاب هستند. یکی از اسیران در این باره گفت: «ما امروز با آگاهی کامل از حقانیت جمهوری اسلامی ایران، آمادگی کامل برای اجرای فرامین امام خمینی را داریم و از مسئولین جمهوری اسلامی می‌خواهیم تا خواسته‌های ما را پذیرفته و از نیروی ما به عنوان مسلمانان حامی جمهوری اسلامی، استفاده کند.»^(۱۳)

۶۷۱

۱۸۰ تن از خانواده‌های عراقی با عبور از مرزهای جنوبی کشور به جمهوری اسلامی ایران پناهنده شدند. تعداد دیگری نیز به صورت پراکنده از مرزهای غربی به کشورمان آمده‌اند که در یکی از اردوگاه‌ها اسکان داده شدند. یکی از پناهندگان که مهندس کشاورزی و اهل نجف اشرف است، اوضاع عراق را وخیم توصیف کرد و افزود که نظامیان عراق چند روز پیش با حمله به تظاهرات مردم نجف که در اعتراض به رژیم عراق صورت گرفته بود، ده تن را

دستگیر کردند که ۴ تن از آنان بلافاصله به دست مأموران سازمان امنیت صدام اعدام شدند.^(۱۴)

۶۷۲

آقای خامنه‌ای رئیس‌جمهور، با گروهی از خبرنگاران شهرستان روزنامه جمهوری اسلامی، با اشاره به نقش مهم مطبوعات و خبرنگاران در جامعه، به مسئله جنگ پرداخت: اگر صدام مجازات نشود، منطقه روی امنیت و آرامش نخواهد دید. اگر صدام و رژیم علفی صدامی مجازات نشوند، شما خیال می‌کنید فقط ایران صدمه خواهد دید، نه، بلکه تمام این منطقه دیگر روی امنیت و آرامش را نخواهد دید و دلیل این‌که ما در شروط سه گانه معروف خودمان شرط مجازات صدام را به عنوان یک شرط حقیقی و اصلی قید کردیم، به خاطر همین است. ما معتقدیم که باید اعتقاد و اتکا به زور را در منطقه ریشه کن کرد.

ما بارها به هیئت‌های میانجی صلح گفتیم اگر دو شرط اول یعنی شرط خروج بی‌قید و شرط نظامیان عراقی از خاک ما و شرط تأدیه غرامت‌های ناشی از خسارات جنگ، شرایطی است که به ایران مربوط می‌شود، شرط سوم یعنی مجازات صدام، شرطی است که به همه منطقه مربوط می‌شود. ما امروز صدام را مجازات می‌کنیم تا دیگر کسی احساس نکند که با داشتن زور می‌تواند تجاوز بکند.^(۱۵)

۶۷۳

آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در ادامه گفت‌وگوهای خود با مقام‌های بلند پایه هند، امروز با آقای "زینگ سینگ" رئیس‌جمهوری هند ملاقات و گفت‌وگو کرد. آقای هاشمی در این ملاقات از دولت هند برای پذیرفتن درخواست جمهوری اسلامی ایران مبنی بر برگزاری کنفرانس سران جنبش عدم‌تعهد در دهلی‌نو، تشکر کرد.^(۱۶) همچنین به دنبال مذاکرات روز گذشته آقای هاشمی رفسنجانی با مقام‌های هند، خانم "گاندی" نخست‌وزیر این کشور، در پیامی برای صدام حسین، هند را به عنوان محل برگزاری کنفرانس غیرمتعهدها به وی پیشنهاد کرد.

سخن‌گوی رسمی هندوستان درباره این پیام توضیح داد که خانم ایندیرا گاندی در پیامی به صدام حسین، پیشنهاد کرده‌است که هند میزبان هفتمین اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد باشد.^(۱۷) صدام حسین نیز در پاسخ این نامه، خواستار برگزاری اجلاس وزیران خارجه کشورهای غیرمتعهد در بغداد، شد. آسوشیتدپرس در این باره گزارش داد: «صدام حسین رئیس‌جمهور عراق، در نامه‌ای به عنوان "ایندیرا گاندی" نخست‌وزیر هند، همچنین پیشنهاد کرد جلسهٔ وزیران خارجه ۹۴ کشور عضو جنبش، در دوم و سوم سپتامبر (۱۱ و ۱۲ شهریور) طبق برنامه در بغداد تشکیل شود تا تغییر محل کنفرانس و تعیین تاریخ تازه‌ای جهت کنفرانس را تصویب نمایند. حسین همچنین میزبانی کنفرانس سران

غیرمتعهدها در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) در عراق را پیشنهاد کرده است.^(۱۸)

۶۷۴

"حسین شیخ الاسلام" معاون سیاسی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، صبح امروز با "ضیاءالحق" رئیس جمهور پاکستان، ملاقات و پیام ویژه رئیس جمهوری اسلامی ایران را به وی تسلیم کرد.

در این دیدار ۹۰ دقیقه‌ای، آقای شیخ الاسلام با تشریح مواضع ایران در جنگ با عراق، به مسائل منطقه اشاره کرد و بغداد را برای برگزاری نشست سران جنبش عدم تعهد ناامن خواند. ژنرال ضیاءالحق نیز ضمن ادای احترام به حضور امام خمینی و ارائه پیام متقابل برای آقای خامنه‌ای، برگزاری این اجلاس را در بغداد به دلیل عدم امنیت، منتفی دانست.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از اسلام‌آباد، شیخ الاسلام عصر امروز در یک کنفرانس مطبوعاتی مواضع ایران را در مورد تغییر محل کنفرانس عدم تعهد و جنگ با عراق، تشریح کرده و گفت: «رژیم عراق با تجاوز به جمهوری اسلامی و جنایات غیرانسانی خود، ثابت کرد که صلاحیت عضویت در جنبش عدم تعهد را ندارد.»

شیخ الاسلام افزود: «تقاضای عراق برای برگزاری اجلاس وزرای خارجه کشورهای غیرمتعهد در بغداد نیز که توطئه‌ای برای کسب منافع سیاسی است، برخلاف اصول جنبش عدم تعهد است و برای محل برگزاری این کنفرانس، ایران از کشوری حمایت خواهد کرد که آمادگی برای برگزاری هر چه زودتر آن را داشته باشد.»

خبرنگاری پرسید: «جنگ چه وقت پایان خواهد یافت؟» شیخ الاسلام پاسخ داد: «تا عراق شرایط بر حق ما را نپذیرد، جنگ ادامه خواهد یافت، اما ما از هر هیئتی که برای حل عادلانه جنگ کوشش کند، استقبال خواهیم کرد.»^(۱۹)

۶۷۵

خبرگزاری جمهوری اسلامی از هند گزارش داد: «مطبوعات هند به صورت گسترده سفر آقای هاشمی رفسنجانی را منعکس کرده و اعلام کردند هند تمایل دارد میزبان هفتمین کنفرانس سران غیرمتعهد باشد.»

به گزارش این خبرگزاری روزنامه "نشنال هرالده" ارگان حزب کنگره خانم گاندی، امروز تصویر دیدار آقای رفسنجانی با خانم گاندی را چاپ کرده و نوشته است: «هند به برگزاری این کنفرانس در دهلی‌نو تمایل دارد.»

روزنامه "تایمز آو ایندیا" در مقاله‌ای درباره‌ی عدم برگزاری کنفرانس سران غیرمتعهدها در بغداد، نوشته است: «صدام حسین باید دچار مصیبتی شده باشد که از برگزاری این کنفرانس خودداری کرده است.»

این روزنامه سپس افزوده است: «به هر حال صدام اینک به خاطر فشارهای خارجی مجبور

شده است که با عدم برگزاری کنفرانس سران در بغداد، موافقت نماید.»^(۲۰)

رادیو صدای امریکا در گزارشی آخرین تحولات و توافقات درباره اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد را تشریح کرد. به گفته این رادیو، دولت هند میزبانی نشست سران عدم تعهد را پذیرفته است، اما به این شرط که دیگر اعضای جنبش پیشنهاد عراق را برای برگزاری جلسه برگزاری جلسه وزیران خارجه کشورهای غیرمتعهد را بپذیرند.

رادیو امریکا درباره این پیشنهاد عراق گفت: «جنگ ایران و عراق منجر به ارائه چنین پیشنهادی از سوی صدام شد، اما اختلاف بین کوبا و عراق بر سر این مسئله است که هر کدام از این دو خواهان برگزاری نشست وزرای خارجه کشورهای عضو این جنبش در کشور خود می باشند و این اختلاف بین بغداد و هاوانا همچنان باقی است و سفر معاون وزیر خارجه کوبا در اوایل هفته جاری به دهلی نو برای رسیدن به این مقصود است که نشست وزرای خارجه کشورهای عضو جنبش در هاوانا برگزار شود.»^(۲۱)



ضمیمه گزارش شماره ۶۶۷

مهران اصدقی از اعضای تیم مهندسی (شکنجه) درباره نحوه ربودن و شکنجه مرحوم خسرو ریاحی می گوید: «در یکی از خانه های تیمی بخش ما در خیابان اسکندری، مسئولین بالای ما خسرو ریاحی را بیرون از خانه مشاهده می کنند و می بینند که پهلوی ماشینش ایستاده است. افراد خانه به گمان این که وی خانه تیمی شان را زیر نظر داشته، او را تعقیب می کنند ولی موفق به دزدیدن او نمی شوند ولی مجدداً روز بعد وی را در همان محل مشاهده می کنند که پهلوی ماشینش ایستاده و این بار کاملاً به وی مشکوک می شوند و به این شکل او را شناسایی و تصمیم به دزدیدن او می گیرند.

بعد از این که به خسرو ریاحی مشکوک شدند، ۲ نفر به نام های مجید رهبر و محمود رحمانی نزد خسرو می آیند و با ارائه کارت جعلی کمیته اقدام به بازرسی بدنی خسرو ریاحی می کنند و سپس چیزی از او گیر نیاورده و او را به زور داخل ماشینش می برند و چشمانش را می بندند و به او می گویند به تو مشکوک هستیم و به کمیته می بریمت. سپس او را به خیابان بهار آورده و روبه روی خانه ای که شکنجه گاه ما بود، نگه می دارند و پس از این که ما درب را باز کردیم، او را با چشمان بسته داخل خانه آوردند. البته هنگامی که آن ها در زدند، من و "مصطفی معدن پیشه" و "شهرام روشن تبار" و محمد رضا که داخل خانه بودیم، ترسیدیم و داخل اتاق ها مخفی شدیم و محمد رضا درب را باز کرد و خسرو ریاحی را با چشمان بسته به داخل خانه انتقال دادیم و به این ترتیب او را دزدیدیم.

پس از این که خسرو ریاحی را وارد خانه کردیم، حمام را خالی کردیم و او را روی میز با طناب بستیم و از او خواستیم مشخصاتش را بگوید که او گفت شغلش معلم است و ما یک کارت از داخل جیبش در آوردیم که مربوط به آموزش و پرورش بود و فکر می کنم معلم ورزش بوده باشد چون کارتی که مربوط به تربیت بدنی بود نیز به همراه داشت و هیکل خود او هم ورزشکاری بود. بعد از این که مشخصاتش را برای ما گفت، از او علت حضورش را در آن نقطه خیابان اسکندری پرسیدیم که او می گفت: "بچه هایم به استخر می روند و آمده ام آن ها را ببرم." ما شروع به شکنجه او کردیم و با کابل به بدنش و کف پاهایش می زدیم و او فریاد می زد و ما دهانش را می گرفتیم. ما از موضع این که کمیته ای هستیم، از او می خواستیم رابطه خود را با ضدانقلاب و منافقین توضیح دهد و او قسم می خورد که "شما بروید از محل کارم تحقیق کنید

ببینید که من حزب الهی هستم ... این حرف‌ها که شما می‌زنید دروغ است." ما شکنجه را تشدید کردیم و با هویه مچ دست‌ها و پشت کمر او را می‌سوزانیدیم ولی او مرتب همان حرف‌ها را تکرار می‌کرد و فریاد و ناله می‌کرد ما نمی‌دانستیم چه کار می‌کنیم. ما انتظار داشتیم که وی به ما بگوید که خانه خیابان اسکندری را زیر نظر داشته، ولی او می‌گفت که منتظر فرزندانش بوده و می‌گفت شما بروید تحقیق کنید من معلم هستم و ما خیلی او را شکنجه کردیم و با هویه او را سوزانیدیم ولی او غیر از این که قسم بخورد که حزب الهی است و منتظر فرزندانش بوده، چیزی به ما نگفت.

بعد از این که خسرو ریاحی را در خانه رها کردیم، تا روز بعد با او کاری نداشتیم. روز بعد حوالی عصر بود که من و مصطفی معدن پیشه و شهرام روشن‌تبار در خانه بودیم و مصطفی برای گشت زدن به بیرون از خانه رفته بود، من در اتاق کوچک جلویی بودم که ناگهان صدای فریاد شنیدم و خودم را به راهرو رساندم دیدم خسرو ریاحی با مصطفی معدن پیشه و شهرام روشن‌تبار گلاویز شده و مرتب فریاد می‌زند و می‌گوید "کمک!" صدای او خیلی بلند بود و مصطفی و شهرام نمی‌توانستند وی را بگیرند چون او هیکل ورزشکاری داشت و خیلی قوی‌تر از آن‌ها بود. من به ناچار وارد حمام شدم و با کلت یک تیر به پای خسرو شلیک کردم که به زمین افتاد و ساکت شد کلت خود را بیرون حمام داخل راهرو انداختم و با شهرام شروع کردیم به بستن مجدد خسرو. حین این که مشغول بستن خسرو بودیم ناگهان بلند شده شروع به فریاد زدن کرد که من و شهرام سعی می‌کردیم که وی را ساکت کنیم که ناگهان رحمان کلت من را از داخل راهرو برداشت و وارد حمام شد و یک تیر به سر خسرو شلیک کرد که خسرو ناگهان بی‌حس به زمین افتاد و خونش داخل حمام ریخت.

پس از به شهادت رساندن خسرو، به علت خون زیادی که داخل حمام به راه افتاده بود خسرو را با آب شستیم و حمام را نیز تمیز کردیم تا لکه‌ای از خون در داخل آن نباشد، سپس بدن خسرو را با طناب بستیم طوری که در داخل صندوق عقب جا بگیرد و بعد جسد طناب‌پیچ شده را داخل پتو گذاشتیم و مجدداً آن را طناب‌پیچ کردیم. دیگر تصمیم به تخلیه خانه گرفته بودیم و نمی‌خواستیم آثاری از جریان شکنجه باقی بماند. به محمدرضا گفتم جسد خسرو ریاحی را در بیابان‌های اطراف دفن کند و اگر نتوانستند دفن کنند، آن را رها کنند اما چون دیر وقت بود و شب بود و امکان تهیه بیل و وسایل کندن

نبود، آن‌ها نتوانستند جسد را دفن کنند و محل مناسبی نیز گیر نیاوردند و بعداً که از محمدرضا در مورد جسد ریاحی پرسیدم، گفت آن را در خرابه‌ای در خیابان سهروردی انداختیم.» (۲۲)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۶۱/۵/۲۱

- ۱- سند شماره ۰۱۶۶۴۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۵۷۹، از قرارگاه عملیاتی کربلا در جنوب، ۱۳۶۱/۶/۱، ص ۳.
- ۱۰- مآخذ ۹، بخش نخست.
- ۱۱- مآخذ ۳، ص ۱۱، پاریس - خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۵/۲۱
- ۱۲- مآخذ ۳، ص ۱۳، خبرگزاری جمهوری اسلامی، به نقل از خبرگزاری فرانسه از تهران، ۱۳۶۱/۵/۲۱
- ۱۳- مآخذ ۲، به نقل از خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- ۱۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۵/۲۱، ص ۲.
- ۱۵- پیشین، ص ۲۲، به نقل از رئیس‌جمهور ایران.
- ۱۶- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱/۵/۲۳، ص ۳.
- ۱۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "هفتمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد"، نشریه شماره ۴، ۱۳۶۱/۵/۲۱، ص ۵، تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۵/۲۱ به گزارش بخش فارسی رادیو جده، به نقل از سخن‌گوی رسمی هندوستان.
- ۱۸- مآخذ ۱۴، ص ۲۱، واحد مرکزی خبر، به نقل از آسوشیتدپرس، به نقل از سخن‌گوی دولت هند، به نقل از صدام حسین.
- ۱۹- مآخذ ۱۷، ص ۳، اسلام‌آباد - خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۵/۲۱؛ و: مآخذ ۱۶، اسلام‌آباد - به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- ۲۰- مآخذ ۱۷، ص ۲، دهلی‌نو - خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۵/۲۱، به نقل از روزنامه نشنال هیرالد.
- ۲۱- مآخذ ۱۷، ص ۴، رادیو صدای آمریکا، ۱۳۶۱/۵/۲۱
- ۲۲- مآخذ ۶، ص ۶۹ تا ۷۵.
- ۱- سند شماره ۰۱۶۶۴۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۵۶۸، قرارگاه کربلا، ۱۳۶۱/۵/۲۱، ص ۴.
- ۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۵/۲۵، ص ۲.
- ۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۴۶، ۱۳۶۱/۵/۲۲، ص ۲۳، رادیو صوت‌الجماهير، ۱۳۶۱/۵/۲۱، به نقل از سخن‌گوی نظامی عراق.
- ۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۴۷، ۱۳۶۱/۵/۲۲، ص ۹، ارومیه - خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۵/۲۱، به نقل از روابط عمومی ستاد عملیاتی شمال غرب کشور.
- ۵- مآخذ ۳، ص ۶، ارومیه - خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۵/۲۱، به نقل از روابط عمومی ستاد عملیات شمال غرب کشور.
- ۶- دادستانی انقلاب اسلامی، جزئیات شکنجه ۲، تهران، دادسرای انقلاب اسلامی، چاپ اول، مرداد ماه ۱۳۶۵، صص ۳۹ تا ۴۳.
- ۷- سند شماره ۰۵۳۲۹۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: ستاد منطقه ۳ - فرماندهی، ۱۳۶۱/۵/۲۱
- ۸- سند شماره ۰۱۶۶۸۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۱۵۰، ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران - اداره دوم - فرماندهی اطلاعات، ۱۳۶۱/۵/۲۶، ص ۱۴.
- ۹- سند شماره ۰۱۶۶۶۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش نوبه‌ای شماره ۱۴۸، فرماندهی اطلاعات، ۱۳۶۱/۵/۲۴، ص ۴؛ سند شماره ۰۱۶۷۴۵ مرکز مطالعات